



نادر کریمی جونی

## جنبش کارگری؛ انقیاد یا مصادره؟

گونگون از صحنه کنار زده شدند - و البته برخی از ایشان برای سهم گیری از قدرت، دست به اقداماتی مانند مبارزه مسلحانه زدند که خروج ایشان از صحنه را تسریع بخشید - اما بی تردید رهبران جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدا به اهمیت تشکیلات و جنبش کارگری و نقش آن در تعاملات اجتماعی واقف شده بودند. چه این رهبران به خوبی از حوادث کشورهای نظیر شیلی و سقوط دولت مردمی سالوادور آلنده به دست کارگران خطوط حمل و نقل، درس عبرت آموخته بودند و می دانستند که در صورت بی توجهی به این بخش مهم اجتماع، پایه های حکومت جمهوری اسلامی ایران لرزان خواهد شد. این امر سبب شد تا شهید بهشتی به عنوان معمار اصلی دولت جمهوری اسلامی، با درک اهمیت تشکیلات کارگری و ضرورت در دست گرفتن رهبری جنبش کارگری ایران از همان ابتدا برای حضور عناصر انقلابی همسو با حزب جمهوری اسلامی در ساختار و تشکیلات کارگری ایران برنامه ریزی کند.

چنانکه بیرون کشیدن خانه کارگر - که بعداً به خانه کارگر جمهوری اسلامی ایران تغییر نام یافت - از دست عناصر کمونیست و گروهک های چپ گرا در همین راستا ارزیابی می شود.

با رشد فعالیت های مسلحانه گروه هایی مانند سازمان فداییان خلق و... و کشف کودتای نافرجام حزب توده که منجر به غیرقانونی شدن فعالیت این حزب و اخراج برخی دبیرات های روسی از ایران شد، اگرچه گروهک های چپ گرا به طور کامل از رهبری جنبش کارگری در ایران کنار گذاشته شدند، اما بقایای تفکر

مرکزی کارگران و زحمت کشان ایران شهرت یافت، در واقع تضعیف شورای مرکزی حزب توده را هدف گرفت و در مقابل پلونوم های آن حزب ایستاد.

از آن هنگام تاکنون بیش از ۶۰ سال می گذرد و تشکیلات کارگری ایران که به ویژه در سال های اخیر و اواخر دوران حکومت پهلوی به گروه های کمونیستی و چپ گرایی داشته، همواره نقش قابل توجهی در تعاملات اجتماعی ایران ایفا کرده است. در عین حال همین که در شکل گیری نخستین تشکیلات کارگری ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی میان گروه های چپ (مانند سازمان فداییان خلق، حزب توده ایران، پیکار و...) با گروه های حامی انقلاب اسلامی و در رأس آن حزب جمهوری اسلامی زد و خوردهای شدیدی روی داد، نشان می دهد که تعاملات سیاسی و ملاحظات جناحی بر رفتار تشکیلات کارگری ایران سایه سنگینی داشته است و اگر چه پس از مدت کوتاهی گروه های مخالف، با عنوان

حتی سال ها پیش از آغاز فعالیت جنبش دانشجویی در ایران، فعالیت های صنفی کارگران ایرانی شکل گرفت؛ قریب به دو دهه پس از کشتار کارگران آمریکایی در ۱۸۸۶ میلادی در شیکاگو، مزدبگیران ایرانی در سال ۱۳۰۷ هجری شمسی در تظاهراتی که از سوی قزاق ها به خاک و خون کشیده شد، یاد و خاطره آن کشتار را گرامی داشتند.

چند سال بعد و هنگامی که اردشیر آوانسیان، که از جمله مهم ترین بنیانگذاران حزب توده در ایران محسوب می شد، پس از رهایی از زندان رضاخان، برای دفاع از اعتصاب کارگران به اصفهان و بندرعباس رفت و مقاله مفصلی در حمایت از کارگران عمدتاً آذربایجانی کارخانه مس ایران در روزنامه ستاره چاپ کرد، نخستین جرقه های حرکت صنفی کارگری در کشورمان شکل گرفت. اما همانطور که آوانسیان خود در کتاب خاطراتش می نویسد، حتی تشکیل نخستین تشکیلات کارگری ایرانی که به شورای متحده



سوسیالیستی به شدت بر تفکر حاکم در بدنه کارگری کشور و لاجرم خانه کارگر تأثیر گذاشت به طوری که در تحولات بعدی این نهاد، تأثیر تفکرهای سوسیالیستی مشاهده می‌شود. اما شاید تنها اصل ثابت و تغییرناپذیر در رفتار خانه کارگر در طی عمر چندین ساله‌اش، دفاع از اصل حکومت جمهوری اسلامی و نزدیکی به مراجع اصلی قدرت و رهبران بلندپایه حاکمیت جمهوری اسلامی باشد که همین نزدیکی و شایعاتی که درباره روابط رهبران خانه کارگر با رهبران محافظه کار رایج شد، باعث گردیده است که برخی ناظران مسائیل کارگری این نهاد را بیشتر یک نهاد حکومتی تلقی نمایند تا یک نهاد صنفی غیردولتی و مبتنی بر دفاع از حقوق صنفی کارگران.

**این امر سبب شد تا شهید بهشتی به عنوان معمار اصلی دولت جمهوری اسلامی، با درک اهمیت تشکیلات کارگری و ضرورت در دست گرفتن رهبری جنبش کارگری ایران از همان ابتدا برای حضور عناصر انقلابی همسو با حزب جمهوری اسلامی در ساختار و تشکیلات کارگری ایران برنامه ریزی کند**

البته حساسیت مقامات جمهوری اسلامی بر روی مسائیل کارگری قابل درک است؛ رهبران کشورمان تجربه‌های عبرت‌انگیز دخالت بیگانگان در مسائیل کارگری و سقوط حکومت‌ها با استفاده از اعتراضات کارگری در کشورهای مختلف را دیده‌اند و از ناتوانی حکومت‌ها در مقابل جنبش کارگری به خوبی آگاهند. این امر سبب شکل‌گیری این تفکر نزد برخی مقامات امنیتی ایرانی شده که برای پیش‌گیری از وقوع حوادث خطرناک کارگری می‌باید نهادهای کارگری هرچه بیشتر به رأس حکومت نزدیک و به رعایت ملاحظات امنیتی - سیاسی نظام موظف شوند. دایره بعدی این استراتژی جلوگیری از پیدایش شاخه‌های کارگری در میان احزاب منتقد حاکمیت (مانند نهضت آزادی) است که مبارزه با گروه‌های معارض نظام در ضمن آن ملحوظ

می‌شود.

**تحلیل‌گران مسائیل ایران در این باره می‌افزایند که جناح محافظه‌کار درون حاکمیت با تکیه بر همین اصل و پس از مشاهده ناکامی فعالیت‌های شاخه کارگری جوامع اسلامی، در جهت به‌انقیاد درآوردن و یا حداقل همراه ساختن خانه کارگر با خود، تلاش کرده و در مقابل با مانع‌تراشی در برابر پدید آمدن شاخه کارگری در برخی احزاب قدرتمند اصلاح‌طلب (مانند جبهه مشارکت)، فضای یک‌دستی را به خانه کارگر هدیه داده است. این تحلیل‌گران با اشاره به گرایش‌های چپ‌گرایانه برخی شخصیت‌های جنبش کارگری و نیز فعالیت‌های پنهان و پنهان گروه‌هایی نظیر سازمان فدائیان خلق ایران، حزب کمونیست کارگری ایران و... تصریح می‌کنند که تصمیم‌گیران حکومت ایران، پیدایش شاخه‌های کارگری در احزاب اصلاح‌طلب و حتی منتقد را بر ظهور مجدد چهره‌های چپ کمونیستی در فضای جنبش کارگری ایران ترجیح می‌دهند و از این رو در صورت تجدید حیات گروه‌های کارگری چپ‌گرا، حساسیت‌های اعمال شده بر گروه‌های اصلاح‌طلب کاهش خواهد یافت.**

البته بسیار طبیعی است که این ملاحظات در درون فضای جنبش کارگری نمودهای ملموس داشته باشد و بر رفتار بازیگران این جنبش تأثیر بگذارد. چنانکه خانه کارگر جمهوری اسلامی ایران که اولین و در عین حال قدرتمندترین نهاد کارگری رسمی در ایران محسوب می‌شود، همواره با اتهامات گوناگونی روبه‌رو بوده که گاه شواهد و قرائنی برای صحت این اتهامات، مشاهده شده است. در این باره یکی از مهم‌ترین اتهامات مطرح علیه تشکیلات خانه کارگر تمامیت‌خواهی رهبران آن است و اگرچه تاکنون چهره‌های مخالف با ذکر نام به انتقاد از این نهاد نپرداخته‌اند، اما اشاره‌ها و تلمیحات ذکر شده در خصوص استیلائی یک جناح بر فعالیت‌های کارگری ایران، همواره نام خانه کارگر را به ذهن متبادر ساخته است. در این باره، آقای محمد نعیمی‌پور

سخن‌گویی فراکسیون مشارکت در مجلس شورای اسلامی در مصاحبه‌ای که ویژه‌نامه کارگری روزنامه توقیف شده نوروز آن را در اردیبهشت ماه ۸۱ انتشار داد، از همین انحصارگرایی سخن گفت و لزوم رفع آن را یادآور شد. همین نماینده مجلس شورای اسلامی در فروردین ماه ۸۲ در جمع خبرنگاران پارلمانی نیز تصریح کرد که یکی از برنامه‌های سال جاری جبهه مشارکت راه‌اندازی شاخه کارگری حزب و معرفی مسئول این شاخه در جبهه مشارکت است.

در عین حال، حمله کارگران معترض به سازمان تأمین اجتماعی و وزارت کار و امور اجتماعی در تابستان ۸۱، از سوی برخی تحلیل‌گران به عنوان هشدار جدی خانه کارگر به جبهه مشارکت به منظور وادار ساختن این جبهه به خروج از فضای جنبش کارگری ایران محسوب شد و هرچند بارها علیرضا محبوب دبیرکل خانه کارگر آمادگی خود برای جبران خسارات وارده را اعلام و تصریح کرده است که حادثه یادشده تنها حاصل بی‌انضباطی برخی شرکت‌کنندگان و سهل‌انگاری انتظامات مراسم بوده است، اما سخنرانی‌های پرهیجان و گاه تحریک‌کننده رهبران خانه کارگر در پیش و پس از وقوع این حادثه و حتی خوشحالی ضمنی برخی چهره‌های نزدیک به این نهاد از حادثه مذکور، احتمال آگاهانه بودن این حمله را حداقل در میان لایه‌های میانی خانه کارگر فزونی می‌بخشد.

در عین حال انتقاداتی علیه خانه کارگر درباره مسائلی همچون استفاده ابزاری از رهبران این نهاد از کارگران به منظور کسب قدرت بیشتر، بهره‌گیری این نهاد صنفی از رانت‌های حکومتی، پندبازی سیاسی چهره‌های خانه کارگر و... نیز مطرح است که مجموعه این ابهامات موجب شد تا طی مصاحبه‌ای صریح با آقای علیرضا محبوب، دبیرکل خانه کارگر، مجموعه این نقاط تاریک مورد بحث و بررسی قرار گیرد. دست‌اندرکاران این ماهنامه همچنین تلاش می‌کنند تا در مصاحبه‌ای اختصاصی، مشکلات کارگران را با بالاترین مرجع مسؤول در دولت جمهوری اسلامی ایران، آقای صفدر حسینی وزیر کار و امور اجتماعی کشورمان نیز در میان بگذارند که در صورت انجام، این مصاحبه طی شماره‌های آتی از نظر خوانندگان خواهد گذشت.